

پیشینه

روپرت مُرداک / Rupert Murdoch در استرالیا در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد. پدرش کیت مُرداک از مشهورترین روزنامه‌نگاران استرالیایی دوران خود به‌شمار می‌رفت. هنگامی که درگذشت، دارایی نسبی خود از جمله روزنامه‌های کوچکی در آدلاید و بریس پین را برای خانواده‌اش به‌جا گذاشت. روپرت مُرداک در مقایسه با خانواده‌های قدیمتر مالک مطبوعات، همانند فیثرفاکس و پکرز یک گرداننده کوچک به‌شمار می‌آمد. در حقیقت، درخواست مُرداک برای خرید هرالد و ویکلی تایمز (اچ دبلیو تی) که زمانی پدرش را در استخدام داشت، نشانگر بازگشت پیروزمندانۀ او به صحنۀ مطبوعات بود.

در اواخر دهۀ ۱۹۶۰ و اوایل دهۀ ۱۹۷۰ هنگامی که مُرداک به بازار انگلستان و پس از آن، امریکا وارد شد، کاملاً یک بیگانه و خارجی به‌شمار می‌رفت. او در نظر بزرگان نشریه‌ها و اربابان مطبوعات سرشناس انگلستان یک مستعمراتی به‌شمار می‌آمد که در پی کسب احترام و اصالت در انگلستان بود (گرندی، ۱۹۶۹، «جوان تازه‌ای در خیابان فلیت»، ۱۹۷۱).

ورود مُرداک به بازار امریکا در آغاز، توجه چندانی را به خود جلب نکرد. اما تأسیس هفته‌نامه‌های سوپر مارکت و نشنال استار و سرانجام، سبک و روش احساساتی نشریۀ سان آنتونیو، او را به‌عنوان شخصیتی کنجکاو اما بی‌خطر، مطرح کردند («صحبت درباره شهر»، ۱۹۷۴، «سه تا اس»، ۱۹۷۳). پس از آن، هنگامی که مُرداک نیویورک پست؛ مجلۀ نیویورک و ویلیج ژوئیس را خریداری کرد، مُستقدان با او همانند خریدار نشریه‌های تجاری و عامه‌پسند تازه به دوران رسیده‌ای که پا را از حد و رسم اجتماعی خود فراتر گذاشته است، برخورد کردند. البته، روشهایی که مُرداک از نظر مالی در اداره امپراطوریش به‌کار می‌گرفت، تصویری را که از او به‌عنوان یک نوکیسه تازه به دوران رسیده جاه‌طلب شکل



## دنیای ارتباطی مُرداک

## ■ حمایت مُرداک از کاندیداهای خاص، کاملاً فرصت‌طلبانه به نظر می‌رسید. هنگامی که سیاستمدارانسی مانند تاچر و ریگان هریک به‌نوعی از محبوبیت فراوان برخوردار بودند، روزنامه‌های مُرداک، برای افزایش تیراژشان به آنها پیوستند و از آنها حمایت کردند.

گرفته بود، هرچه بیشتر قوت می‌بخشیدند. مُرداک، برخلاف بیشتر مالکان رسانه‌های جمعی، شخصاً بر املاکش بازمینی و نظارت داشت. این امر نیز کورپوریشن را در برابر رقبا و دشمنانش حفظ می‌کرد، اما در عین حال قدرت مُرداک را در به جریان انداختن سهام برای افزایش سرمایه محدود می‌نمود. این امر باعث شد که مُرداک وام‌های بسیار سنگینی از بانک‌های مختلف امریکا، انگلستان و استرالیا دریافت کند و شدیداً مقروض شود.

از دیدگاه استرالیاییها، اقدامات مُرداک زنجیروار به یکدیگر وابسته‌اند. مثلاً خرید فوکس قرن بیستم و مترومدیا ارزش امپراطوری او را به بیش از چهارمیلیارد دلار رساند. حال آنکه دیون او بابت این داراییها، حتی پیش از آنکه یک میلیارد دلار یا بیشتر برای گروه «اچ دبلیو تی» در استرالیا پیشنهاد کند، بالغ بر ۲/۵ میلیارد دلار بود.

سیاست مُرداک در امر مطبوعات این بود که هرگاه که در تنگنای مالی قرار می‌گرفت، داراییهای غیرضروری خود مانند ویلیج ویس را به فروش می‌رساند. مُرداک گاهی با خرید و فروش نشریاتی که خوانندگان وفاداری داشتند ولی سودآور نبودند، ترس و وحشت ایجاد می‌کرد. مثلاً مالکیت روزنامه عامه‌پسند

سان در انگلستان توسط مُرداک، هنوز نیز دست چپها را خشمگین می‌کند؛ زیرا که این روزنامه دیرگاهی روزنامه پرقدرت طبقه کارگر به‌شمار می‌آمد. روزنامه سان مُرداک، برای جناح چپ، یادآور امیدهای بی‌ثمر این گروه برای انتشار روزنامه‌ای متعلق به طبقه کارگر با تیراژ بالا بود. هنگامی که مُرداک روزنامه تایمز را خرید بحث و جدل همراه با خشم بسیاری را برانگیخت. این روزنامه، برای جناحهای چپ و راست، معنا و مفهوم خاصی داشت. از دیدگاه چپها، روزنامه تایمز، با وجود سیاستهای محافظه‌کارانه‌اش، روزنامه‌نگاری جدی و استقلال حرفه‌ای را تشویق می‌کرد؛ و از دیدگاه راستها، تلاش مُرداک برای تبدیل این روزنامه به روزنامه‌ای پولساز، حاکی از سوداگری و تجارت صرف بود. آنان پیش‌بینی می‌کردند که به این ترتیب، روزنامه تایمز نقش تاریخی خود را به‌عنوان جایگاهی شایسته و احترام‌آمیز برای نقد و تفسیرهای جدی از دست می‌دهد.

خریداری روزنامه تایمز به‌وسیله مُرداک، خشم منتقدان و مفسران را برانگیخت. کاریکاتوریستها و نویسندگان سرمقاله‌ها، آشکارتر از همیشه به ترمیم تصویر مُرداک، به‌عنوان «یک بیگانه» و «خارجی» مبادرت

کردند. از او به‌عنوان «وحشی»، «زنبور سمی»، «مخلوق گودزیلا»، «کینگ‌کنگ»، «شیطان تاسمانیایی»، «دراکولا» و «دکتر فرانکشتین مطبوعات» یاد کردند. زمانی نیز مایک رویکو، خبرنگار شیکاگو به او برچسب «بیگانه» زد (کرین، ۱۹۸۴). سرعنوانهای مطبوعات نیز به او لقب «گرگ بد» را دادند که کودک بیگانه روزنامه‌نگاری مشروع و قانونی را گمراه کرده و به بیراهه کشانده است (لویس، ۱۹۸۳؛ پاری-جونز، ۱۹۸۱). مجله تایم و منتقدان آن نیز از مُرداک به‌عنوان «غریبه‌ای مرموز»، «شاهزاده تاریکی» و «ضد مسیح» در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای یاد کردند.

### ثروتمند استرالیایی

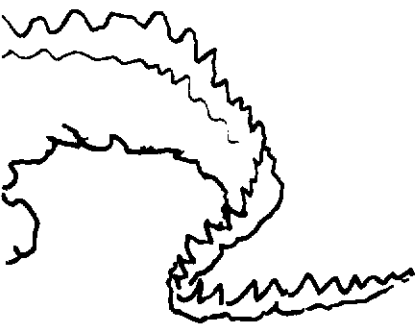
مُرداک، پیش از آنکه یک شهروند امریکایی شود، یکی از ثروتمندترین مردان استرالیا به‌شمار می‌آمد. او تا سال ۱۹۸۶ علاوه بر خرید روزنامه‌های سیدنی، ملبورن، آدلاید و کانبرا و نیز هفته‌نامه‌ها و تعداد بی‌شماری از روزنامه‌های محلی و منطقه‌ای، دارای دو ایستگاه تلویزیونی، شرکت‌های بزرگ ضبط، چاپ و انتشار کتاب، مجله‌های بسیار موفق و سرانجام، منافع هتل‌های گوناگون و شرکت‌های حمل‌ونقل بود (کی‌پرنان، ۱۹۸۶).

به این ترتیب، در انگلستان نیز یک‌سوم از روزنامه‌های ملی به‌وسیله مُرداک منتشر می‌شدند. او مالک پرتیراژترین هفته‌نامه‌ها، روزنامه‌ها (نیوزآف ورلد و سان) و نیز معتبرترین و وزین‌ترین هفته‌نامه‌ها و روزنامه‌ها (ساندی تایمز و تایمز) و افزون بر اینها، شمار گوناگونی از روزنامه‌های محلی، منافع مراکز چاپ، منافع حمل‌ونقل و نیز سهام مطبوعات در انگلستان بود.

با این‌همه، مُرداک در امریکا، کشوری که لفاظیهای ضد او تا همین اواخر با شدیدترین و تندترین شکل عنوان می‌شدند، بسیار کم به‌صورت یک تهدید اقتصادی مطرح بود. او هیچیک از روزنامه‌های قدرتمند و سودآوری مانند نیویورک تایمز، لوس‌آنجلس تایمز، شیکاگو تریبیون یا واشنگتن پست را در اختیار نداشت. او همه ساله در حدود ۱۰ میلیون دلار یا بیشتر برای انتشار نیویورک پست ضرر

## ■ سیاست مُرداک در امر مطبوعات این بود که هرگاه در تنگنای مالی قرار می‌گرفت داراییهای غیرضروری خود را به فروش می‌رساند و گاهی با خرید و فروش نشریاتی که خوانندگان وفاداری داشتند ولی سودمند نبودند ترس و وحشت ایجاد می‌کرد.

## ■ «بارون رسانه‌ها» برای افزایش قدرت و نفوذ بازار خود یک سیستم متراکم دیجیتال را گسترش داد تا به کمک آن ماهواره‌های تلویزیونی را قادر سازد تا برنامه‌های ۱۸۰ کانالی پخش کنند.



دسترسی به ۳ میلیارد بیننده، از توکیو گرفته تا تل‌آویو، پرداخت کرد. و در همین ماه تعداد کانالهای شبکه تلویزیونی اسکای انگلستان (بی‌اسکای بی) را که ۵۰ درصد آن به او تعلق دارد، از ۶ کانال به ۱۴ کانال افزایش داد و موافقت کرد که شبکه خدمات کامپیوتری مستقر در ماساچوست به نام دلفی اینترنت سرویس را بخرد. این شبکه دروازه ورود به سیستم ارتباطی اینترنت جهانی است و دسترسی به ۲۰ میلیون استفاده کننده از سیستم کامپیوتر را فراهم می‌سازد.

این معاملات هرچند که عمده و اساسی هستند، اما به ندرت گستره تازه‌ترین عرصه تاخت و تاز مُرداک را نشان می‌دهند.

«بارون رسانه‌ها» برای افزایش قدرت و نفوذ بازار خود یک سیستم متراکم دیجیتال [رقمی] / Digital Compression را گسترش داد تا به کمک آن ماهواره‌های تلویزیونی را قادر سازد تا برنامه‌های ۱۸۰ کانالی پخش کنند و از این طریق به بیشتر مردم جهان فرصت داد تا برنامه‌های گوناگونی از اخبار و برنامه‌های ورزشی گرفته تا نمایشهایی از فوکس قرن بیستم همچون «سیمسون و بیورلی هیلز

متمایز می‌کرد)، نیویورک پست نیز از اه کوچ و الهاماتو حمایت کرد و با کاندیداهای لیبرال مخالفت ورزید و نیز از همسر خانم جرایدین فرارو انتقاد کرد.

بسیاری از صاحب‌نظران مُرداک را به علت آنکه پایگاه و سکوی دیدگاه محافظه‌کاران بود، نکوهش کردند. گاهی نیز مُرداک، شخصاً در سخنان آشکار خود، بازتاباننده شعارهای محافظه‌کارانه بود (مُرداک، برادلی، تیمش و لیچتر، ۱۹۸۴). با وجود این، درست نیست که بگوییم که علاقه اصلی و اشتیاق عمده مُرداک متوجه سیاست بود (بروگن، ۱۹۸۵؛ دیاموند، ۱۹۸۰؛ استیفنسن، ۱۹۸۲). موضع سیاسی مُرداک را می‌توان موضع مردم‌گرایانه تجاری تلقی کرد که در بیشتر اروپا و آمریکا رنگ دست راستی به خود گرفت.

حمایت او از کاندیداهای خاص، کاملاً فرصت‌طلبانه به نظر می‌رسید. هنگامی که سیاستمدارانی مانند تاجر، ریگان و کوچ، هریک به نوعی از محبوبیت فراوان برخوردار بودند، روزنامه‌های مُرداک، برای افزایش تیراژشان به آنها پیوستند و از آنها حمایت کردند.

### کوهی از بدهی

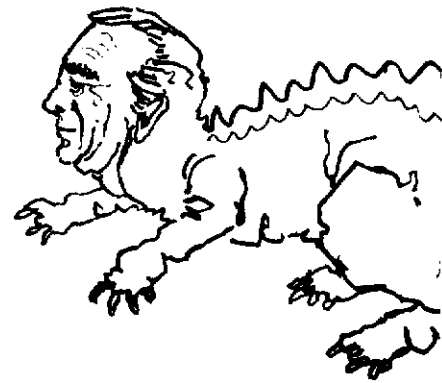
افزون بر اینها، مُرداک وقت بسیاری را نیز صرف انعقاد قراردادهای تجاری کرده است. دو سال پس از آنکه مُرداک ۶۲ ساله نزدیک بود که در زیر کوهی از بدهی مدفون شود، توانست امپراطوری جهانی خود را حتی سریعتر و بهتر از گذشته گسترش دهد. در آغاز، او در ماه ژوئیه، ۵۲۵ میلیون دلار برای ۶۳/۶ درصد از سهام شبکه تلویزیونی استار مستقر در هنگ‌کنگ و امکانات این شبکه در

می‌داد. اگرچه هفته‌نامه استار همواره سودآور بود اما روزنامه‌های دیگر یا در حد متوسط سودآور بودند و یا زیان می‌دادند. روزنامه‌های مُرداک با رقبای قدرتمندی مانند هرست در سان‌آنتونیو، نیویورک تایمز، تریبون و شرکت‌های تایمز میروور در نیویورک و سابقاً «شرکت تریبون» در شیکاگو روبرو بودند. نیمی از ایستگاههای تلویزیونی که مُرداک خرید، دارای سیستم «یو.اچ.اف» بودند و همگی در بازارهایشان در رده‌های چهارم یا پایین‌تر قرار داشتند و تقریباً هیچ‌یک به سوددهی شبکه‌های «بیگ‌تری» که دارای ایستگاههایی با مالکیتها و فعالیتهای پر قدرت بود، و یا به استواری و پابرجایی شعبه‌های و کانالیهای وابسته به آنها نبود.

تیراژ نشریه پست نیز مدتی نزدیک به یک میلیون نسخه رسید اما هرگز نتوانست در زمان مالکیت مُرداک بیش از ۷ درصد از درآمدهای چاپ آگهی و تبلیغات در روزنامه را در بازار نیویورک از آن خود سازد (جونز، ۱۹۸۴). تا به امروز نیز بیشتر سودها و منافع که مُرداک از آن خود ساخته است از اقدامات و فعالیتهایش در انگلستان و استرالیا ناشی می‌شود.

مُرداک، از نشریاتش در جهت حمایت از کاندیداهای مورد علاقه خود استفاده می‌کرد و حتی گاهی پوشش خبری خود را به حمایت و پشتیبانی از کاندیدها اختصاص می‌داد. او در استرالیا، ابتدا از نخست‌وزیر گاک ویتلام حمایت کرد که این‌کار باعث در دسر او شد (لیپمن، ۱۹۸۳). او از مارگارت تاجر در انگلستان و رونالد ریگان در آمریکا حمایت کرد (اگرچه این امر به ندرت او را از اکثریت گسترده صاحبان مطبوعات در هر دو کشور

## ■ مُرداک به جای ساختن سیستمهای ارائه‌دهنده که ممکن بود سریعاً از رونق بیفتند، کوشش خود را بر روی اطلاعات و برنامه‌های سرگرم‌کننده خصوصی متمرکز کرد.



۹۰۲۱۰ را مشاهده کنند.

اوج رویاهای جاه‌طلبانه مُرداک و مرکز ارتباطات از راه دور (مرکز مخابرات) انگلستان، که بزرگترین سیستم تلفنی آن کشور را اداره می‌کند، در حال توسعه ارتباطهای رویاروی و دوسویه است که به بینندگان امکان می‌دهد تا در صورت لزوم با مراکز پخش فیلمها و سرگرمیهای گوناگون و اطلاعاتی، ارتباط تلفنی برقرار کند. جان ریڈی که صنعت ارتباطات را برای شرکت سرمایه‌گذار اسمیت-بارنی در شهر نیویورک اداره می‌کند، می‌گوید: «در حال حاضر، مُرداک از موقعیت جهانی بهتری برخوردار است... او قطعات زیادی از یک معما (پازل) را در اختیار دارد؛ اما نمی‌دانیم که چگونه می‌خواهد با این قطعات بازی کند».

این‌گونه فعالیتهای ناگهانی و پیوسته از سوی مُرداک، او را به نیروی پرقدرتی در اتحادیه‌های جهانی رسانه‌ای که سریعاً در حال پیشرفت و توسعه هستند، و نیز قدرت مہیبی در میدانهای رقابت در شاهراههای بزرگ الکترونیکی در انگلستان تبدیل کرده است. این فعالیتها باعث شده‌اند تا این غول متولد

استرالیا به همراه شرکایش در برابر غولهایی مانند «تایم وارنر»، «ای‌تی‌تی» و «ویاکم اینترنشنال» (شرکت سازنده کابل) که همگی به ابداع و ساختن سیستمهای ارتباطی رویاروی و دوسویه روی آورده‌اند، قرار گیرند. همزمان با آن، پیمانهای میان شبکه تلویزیونی «استار» و «بی اسکای بی»، مُرداک را قادر می‌سازد تا دنیای تلویزیونی را به بهترین شکل ارائه دهد. هنگامی که از مُرداک پرسیدند که آیا بر آن است تا یک شبکه جهانی تلویزیونی ایجاد کند؟ او قاطعانه چنین پاسخ داد: بی‌تردید!

چنین شبکه‌ای همراه با ایستگاههای وابسته، یک بازار جهانی را برای برنامه‌های تلویزیونی شبکه پخش فوکس و نیز فیلمهای فوکس قرن بیستم مُرداک (که مخزنی با بیش از ۲۰۰۰ فیلم را از «همه چیز درباره حوا» و «مردان، بورها را ترجیح می‌دهند» تا فیلم سه قسمتی «جنگ ستارگان» و «تنها در خانه» دربرمی‌گیرد)، به ارمغان می‌آورد. همچنین سیستم ماهواره‌ای به مُرداک، که شبکه پخش تلویزیونی فوکس او یک کانال کابلی به نام «افایکس» راه‌اندازی کرد، کمک کرد تا راه خود را به سوی آنچه از دیدگاه او دنیای محافظت‌شده و مستحکم تلویویزن کابلی بود، باز کند. گردانندگانی مانند شرکت «ارتباطات راه دور» مستقر در دتور و شرکت «تایم وارنر» که بخش مجله و کتاب آن، مجله تایم را به چاپ می‌رسانید، بر تلویزیونهای کابلی تسلط و نفوذ داشتند. اما مُرداک توانست در مقابل حمایت این شرکتها از کانال کابلی نوین خود، زمانهایی را برای اجرای برنامه در شبکه تلویزیونی استار و بی اسکای بی. به آنها پیشنهاد کند. مُرداک در این مورد چنین گفته

است: «به این ترتیب، جهان به زندگی خصوصی مردم راه می‌یابد. انسانهای مهم که به ۲، ۳، ۴، ۸ میلیون خانه دسترسی دارند، همگی، مانند اهرمی نیست به یکدیگر عمل می‌کنند و نفوذ متقابلی بر یکدیگر دارند».

مُرداک که امپراطوری نیوز کورپوریشن خود را به کمک روزنامه‌های تجاری عامه‌پسند و نشریاتی پر از عکسهای برانگیزاننده احساسات به راه انداخت، بر آن شد تا بر کلیه مسائل، نفوذ و قدرت داشته باشد و باعث انگیزش امور شود. هنگامی که منتقدان انگلیسی (با وجود انکار مُرداک) او را متهم کردند که کاهشهایی که در نرخ خرده‌فروشی (بها برای مصرف‌کننده) روزنامه محافظه‌کار تایمز لندن و نیز روزنامه تجاری سان می‌دهد به منظور خارج کردن رقیب از عرصه بوده است، کارمندان خشمگین نیویورک، تهدید کردند که نشریه ورشکسته مُپست را که مُرداک از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۸ مالک آن بود و می‌خواست مقدمات خرید آن را فراهم آورد و از خطر ورشکستگی نجات دهد، تعطیل خواهند کرد. این تهدید از آنجا نشأت می‌گرفت که مدیریت نشریه خواستار حق منع اعتصابها و اخراج کارمندان شده بود. با آغاز دهه ۱۹۹۰، اقدامات متهورانه و مخاطره‌آمیز مُرداک، در معرض تهدید قرار گرفتند. پس از خریدهای متوالی و مالکیتهای نسنجیده، از ایستگاههای تلویزیونی و مطبوعات چاپی تا مجله راهنمای برنامه‌های تلویزیون، شرکت نیوز با ۹/۵ میلیارد دلار قرض با بهره بالا روبه‌رو شد. بار سنگین دیون همراه با رکود اقتصادی جهان، زیان ۳۰۸ میلیون دلاری را در سال ۱۹۹۱ برای شرکت به ارمغان آورد. مُرداک برای کاهش



برون،

آنها را به پیامهای تصویری و صوتی مجهز کنند.

به این ترتیب، مُرداک به جای ساختن سیستمهای ارائه‌دهنده که ممکن بود سریعاً از رونق بیفتند، کوشش خود را بر روی اطلاعات و برنامه‌های سرگرم‌کنندهٔ خصوصی متمرکز کرد. او گفته است: «ما خود را صددرصد خالق نرم‌افزار می‌دانیم؛ افرادی که برنامه‌های سرگرم‌کننده و نمایشی را ساخته و گردآوری می‌کنند؛ و همین حقیقت نیز در مورد اخبار صدق می‌کند... ماهواره‌ها نیز بخشی از این حقیقتند، ابزاری هستند که در حال حاضر در دسترس قرار دارند. اما کسی چه می‌داند؟ ممکن است که تکنولوژی دیگری توسعه یابد و ماهواره‌ها و سیستم کابلی را کنار بزنند.»

در حال حاضر، مُرداک در نظر دارد برای مدتی این بازی دادوستد را کنار بگذارد. او می‌گوید: «شرکتی وجود ندارد که من برای خرید آن مذاکره نکرده باشم!»

برای کار بر روی شاهراههای بزرگ الکترونیکی و تله‌کام انگلیس همکاری کند.

همزمان با آن، مُرداک با «پی آر اُ هفت» شبکهٔ پخش تلویزیونی آلمان، متحد شد و با راه‌اندازی و ادارهٔ کانالهای ماهواره‌ای، به ۱۰۰ میلیون بینندهٔ بالقوه در آلمان، اتریش و سوئد دست یافت.

قدرت روزافزون مُرداک در زمینهٔ رسانه‌ها، هشدارهای سیاسی را برانگیخت. در انگلستان، جایی که مُرداک افزون بر منافع تلویزیونی، یک‌سوم از تیراژ روزنامه‌های ملی کشور را در اختیار خود گرفت، منتقدان شکایت کردند که رسانه‌های او تهدیدی برای فعالیت دیگران است.

رایین کوک، سخنگوی حزب کارگر در این مورد چنین گفت: «این امر برای دموکراسی و رقابت سالم، مناسب و صحیح نیست». اما در آسیای غیردموکراتیک، بعضی از کارشناسان، به نتیجه‌ای خلاف نظریهٔ بالا در مورد خرید شبکهٔ تلویزیونی استار رسیدند. آن تامسون، تحلیلگر مرکز امنیتی میس پریسون در امور رسانه‌ها در هنگ‌کنگ گفت: «قدرت مُرداک در امر رسانه‌ها پی‌آمدهای فراوانی از نظر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. بدین ترتیب که دولتهای سرکوبگر نمی‌توانند اطلاعات و آنچه را مردم می‌بینند، کنترل کنند.»

در تصور مارشال مک‌لوهان از دهکدهٔ جهانی، رسانه‌هایی مانند تلویزیون و رادیو، گونه‌هایی از ارسال پیامند. با این‌همه، تکنولوژی کنونی، عملکرد و کار سیستم تلویزیونی، سیستمهای تلفنی و کامپیوترها با یکدیگر تلفیق شده و جریانهای اطلاعاتی دیجیتالیزه شده [رقمی شده] می‌توانند تمامی

دیون خود، ۱/۲ میلیارد دلار از سهام خود را فروخت و داراییهایی مانند «دیلی ریسینگ فورم»، «سوتین» و مجلهٔ نیویورک را از صحنه بیرون کرد. این حرکتها، ۷/۵ میلیارد دلار قرض به صورت «سند بدهکاری» برای شرکت نیوز باقی گذاشت، اما کمک کرد تا شرکت با درآمدی برابر ۷/۴۸ میلیارد دلار سودی برابر با ۶۰۵ میلیون دلار به ثبت برساند.

به محض آنکه مُرداک از میزان دیون خود کاست، دوباره معاملات خود را آغاز کرد. مُرداک به منظور تأمین بودجهٔ مالی شبکهٔ استار که از طریق آن می‌توانست به ۱۳ میلیون بینندهٔ آسیایی دست یابد، سهام خود را که بالغ بر ۵۰ درصد بود به ساوت چاینا مورنینگ پست هنگ‌کنگ که یکی از سودآورترین نشریه‌های جهان به‌شمار می‌آمد، فروخت.

مُرداک افزون بر خرید دلفی، با عرضهٔ روزنامهٔ الکترونیکی (صفحهٔ اول روزنامه بر روی پرده‌ای به تصویر درمی‌آمد)، به آرزوی دیرینهٔ خود در صنعت ارتباطات، دست یافت. او همزمان با پیشرفتهای تکنولوژی، به دلفی اجازه داد تا تصاویر و صدای ویدئویی را به سیستم گستردهٔ «اینترنت» (سیستم ارتباطی دوسویه رویاروی) بدل کند.

مُرداک در اروپا، مکانی که توسعه و گسترش «بی‌اسکای‌بی» بخشی از یک سرمایه‌گذاری ماجراجویانهٔ نوین به‌شمار می‌آید، سریعتر از هر جای دیگر دنیا، پیش می‌رود. شرکای مُرداک عبارت است از: شرکت ملی ارتباطات فراموزی انگلستان با مسئولیت محدود، تسهیلات تحقیقاتی که به او کمک می‌کنند تا دستگاههای بسیار متراکم و جمع‌وجور ویدئویی را گسترش دهد، و سلنت، شرکت سازندهٔ تلفنهای بسیار کوچک